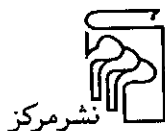


بازخوانی اریک فروم

با تمرکز بر کودک و آموزش کودکان

به روایت ناصر یوسفی

www.ketab.ir



بازخوانی اریک فروم
با تمرکز بر کودک و آموزش کودکان
به روایت ناصر یوسفی
ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز
طرح جلد: ابراهیم حقیقی

© نشرمرکز چاپ اول ۱۳۹۲، شماره‌ی نشر ۱۱۰۲، ۱۶۰۰ نسخه، چاپ سمدی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۲۱۳-۳

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر قاضی، رویه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸
تلفن: ۸۸۹۷۰۳۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹
Email: info@nashr-c-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله:
فتوکپی، فکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز
کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سریشناسه:	یوسفی، ناصر، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور:	بازخوانی اریک فروم؛ با تمرکز بر کودک و آموزش کودکان / به روایت ناصر یوسفی
مشخصات ظاهری:	شش، ۱۵۲ ص.
پادداشت:	کتابخانه؛ نمایه
موضوع:	فروم، اریک، ۱۹۰۰-۱۹۸۰ م. - نقد و تفسیر، نظریه درباره‌ی آموزش و پرورش کودکان؛ آموزش و پرورش
ردیابندی کنگره:	۱۳۹۲ / ۹ ی ۲ / ۱۰۹ BF
ردیابندی دیویی:	۱۵۰ / ۱۹۵۷-۹۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۲۲۲۲۶۶۴

فهرست

۳	مقدمه روایت من از اریک فروم و کودکان
۹	پیشگفتار
۱۲	نکاتی نه چندان غیرضروری
۱۸	فصل اول مروری بر زندگی اریک فروم
۳۸	فصل دوم چیستایی انسان
۶۲	فصل سوم نیازهای انسان
۸۴	فصل چهارم تباهی انسان
۱۰۴	فصل پنجم عشق‌ورزی
۱۲۰	فصل ششم امید
۱۳۴	فصل هفتم آموزش و پرورش
۱۵۱	کتاب‌شناسی اریک فروم به زبان فارسی
۱۵۲	منابع مطالعاتی از آثار فروم
۱۵۳	نمایه‌ی اشخاص

زندگی نوعی هنر است. زندگی هر فرد مهم‌ترین رکن آن هنر
است و شاهکار هر کسی که زندگی می‌کند شکوفا کردن تمامی
استعدادهای توانایی‌های خویش است.

اریک فروم

www.ketab.ir

مقدمه

روایت من از اریک فروم و کودکان

این کتاب چنان که از نام آن پیداست بازخوانی آثار اریک فروم با تمرکز بر کودک و آموزش و پرورش اوست. اریک فروم روان‌شناسی است که با آثار متنوعی که از او به جا مانده، اندیشه‌های ارزشمندی درباره‌ی انسان، زندگی و آموزش به دست می‌دهد. بدون شک خواندن و بازخوانی آثار او راهی است تا بتوان درک عمیق‌تری از مجموع نظرات و افکار او پیدا کرد.

گسترده‌گی آثار او موجب می‌شود تا افراد مختلف بتوانند برداشت‌ها و ادراک متفاوتی از مبانی و اصولی که او طرح کرده است به دست آورند. معتقدم کسی که آثار ارزشمند هر اندیشمندی را مطالعه می‌کند با توجه به پیشینه‌ی خود می‌تواند به ادراک متفاوتی از آن‌ها برسد. بدون شک مفسران هر اندیشه از جایگاه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی خود به آن می‌پردازند. بدین ترتیب می‌توان حق داد که هر مفسری ادراک خود را با گروهی از علاقه‌مندان آن اندیشه در میان بگذارد. در هر حوزه‌ی دانش بشری، گروهی از نظریه‌پردازان نظریات خود را مطرح می‌کنند و یا حتی با کار و رفتار خود تنوری‌های جدیدی خلق می‌کنند. اما پس از آن‌ها، مفسران، مجریان و نظریه‌پردازهای دیگر هستند که نظریه را بسط می‌دهند، اصلاح و تکمیل می‌کنند و یا به سایر علوم یا زیرمجموعه‌های همان علم تسری می‌دهند. برای مثال اندیشمندانی چون اینشتین، فروید، روسو، نیچه، کانت و... هر کدام دیدگاه‌های خود را مطرح کردند، اما متخصصان دیگری نظریه‌های آن‌ها را بسط دادند و یا حتی به شیوه‌های مختلف کاربردی کردند. این ویژگی هر نظریه‌ی

مطرحی است که شکل می‌گیرد و سپس گسترش می‌یابد. حتی می‌توان گفت که بسیاری از نظریه‌ها براساس تفسیرها، اظهارنظرها و فعالیت‌های دیگران به جامعه‌ی جهانی معرفی شده و توانسته‌اند نقش تأثیرگذاری پیدا کنند. این اقدامات موجب می‌شود تا بهتر بتوان مفاهیم، اصول و مبانی نظریه‌ها را درک و سپس ترویج کرد. نقش من هم در این مجموعه به نوعی مانند مفسری است که می‌کوشد اندیشه‌ای را بسط دهد. دوست دارم صادقانه بگویم که مطالب درج شده در این کتاب روایت من از نظرات اریک فروم درباره‌ی کودکان و آموزش آنهاست. در تمام بخش‌ها سعی کرده‌ام که مهم‌ترین منبع کارم کتاب‌های خود اریک فروم باشد. سعی کردم که هم به اصل کتاب‌ها مراجعه کنم و هم آنها را با ترجمه‌هایی که به فارسی شده است مطابقت دهم. در گام اول نخواستم که براساس نظرات دیگران اندیشه‌های فروم را داوری و یا بازگو کنم. با این که منبع اصلی من کتاب‌های فروم است، اما معتقدم اگر فرد دیگری همان منابع را بخواند و بخواهد که دریافت‌های خود را از نظرات فروم درباره‌ی کودک و کودکی بنویسد حتماً متفاوت خواهد شد. این حرف بدین معنی نیست که نظرات فروم روشن نیست و احتمالاً او در پرده یا غیرشفاف سخن می‌گوید، بلکه صحبت از میزان حساسیت، مطالعه و دریافت‌های هر مفسر از نظرات فروم است.

زمانی که بر آثار فروم متمرکز شدم بی‌بروم که صرف خواندن نظرات او کافی نیست. فروم تحت تأثیر بسیاری از اندیشمندان قبل از خود بوده است، به‌ویژه اسپینوزا، مارکس، جان دیویی و فروید. او بارها در نوشته‌های خود از این اندیشمندان یاد می‌کند. متوجه شدم که برای درک بهتر نظرات او لازم است با دیدگاه‌های افراد مؤثری که نام می‌برد آشنا شوم. خواندن بخش‌هایی از آثار اسپینوزا و مارکس در این مسیر مرا بسیار کمک کرد. حتی مطالعه‌ی دوباره‌ی دیدگاه‌های جان دیویی و فروید من را یاری کرد تا بهتر بتوانم رابطه‌ی فروم را با آنها درک کنم. فروم در بسیاری از آثار خود با استناد به این بزرگان حرف‌های خود را مطرح می‌کند که بسیار خلاصه و یا در حد یادآوری است. بنابراین اگر با مفاهیم اصلی آشنا نبودم، نمی‌توانستم نظریات فروم را به خوبی درک کنم. طبیعی است که میزان درک من از آثار فروم، اسپینوزا، یا مارکس در شناخت - درست یا نادرست - کارهای فروم بدون تأثیر نیست.

از سوی دیگر فروم در خیلی جاها مستقیم درباره‌ی کودکان حرف نمی‌زند. کمتر اثری را می‌توان پیدا کرد که به طور مشخص در آن از کودکان و روش‌های کار با آن‌ها یاد کرده باشد، بلکه فقط با مطالعه‌ی ریز می‌توان به نظرات او درباره‌ی کودکان و دانش‌آموزان پی برد. به همین دلیل نظر دادن یا نظر قاطع دادن درباره‌ی هر یک از بخش‌ها کار بسیار دشواری است.

برای درک درست‌تر نظرات فروم با دو بنیاد علمی در امریکا و سوئیس که براساس نظرات فروم پژوهش و کار می‌کنند ارتباط برقرار کردم و موفق شدم صدها مقاله درباره‌ی روش‌شناسی و نظرات تفسیری درباره‌ی کودکان و آموزش و پرورش آن‌ها از دیدگاه فروم به دست بیاورم. این مقاله‌ها نیز در حقیقت تفسیرهایی است که کارشناسان مختلف از نظرات فروم داشته‌اند.

به همین دلیل فکر می‌کنم بهترین عنوانی که می‌توانم برای نقش خود در بیان این دیدگاه‌ها داشته باشم همان چیزی است که در عنوان کتاب آمده است. این مطالب روایت من و ادراک من از نظرات اریک فروم درباره‌ی کودکان و آموزش آن‌هاست. اصرار دارم که این عنوان را حفظ کنم. بسیاری از نویسندگان و یا پژوهشگران - حلقه‌قل در ایران - ترجیح می‌دهند عنوان محقق، پژوهشگر یا نویسنده را بر این نوع کارهای خود بگذارند. به ظاهر این عنوان برای کارهای پژوهشی به مراتب علمی‌تر و شایسته‌تر است. ضمن احترام گذاشتن به انتخاب این پژوهشگران و متخصصان، فکر می‌کنم که این رفتار فرصت بحث و گفتگو را به وجود نمی‌آورد. نویسنده‌های این نوع آثار آن‌قدر فضای خود را تحمیل می‌کنند و با آن قدر قاطع صحبت می‌کنند که این امکان را نمی‌دهند تا سایر کارشناسان نیز ادراک خود را از منابع اصلی بیان کنند. معتمد عنوان «روایت» کمک می‌کند که در یک فضای دموکراتیک این فرصت فراهم شود تا دیگران نیز روایت‌های خود را بدون کنند و این امکان را به وجود بیاورند تا خوانندگان و یا دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کودکان بتوانند با انواع این تفسیرها آشنا شوند. حتی شاید این امکان به وجود بیاید تا مفسران بتوانند در کنار هم نظرات خود را به بحث بگذارند تا به شفاف‌سازی و کاربردی کردن دیدگاه‌های اندیشمندانی چون اریک فروم یاری برسانند.

در سال‌های قبل من نیز مانند بسیاری از کسانی که در حوزه‌ی روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کار می‌کنند یکی دو کتاب از اریک فروم خوانده بودم. زبان از یاد

رفته، هنر عشق ورزیدن، دل آدمی و گرایش‌اش به خیر و شر، و^۱... اما این که این مطالعه‌ها نیز چقدر دقیق بوده است جای بحث دارد.

نوشته‌های فروم یک نوع سادگی عجیبی دارد که می‌تواند به همان اندازه نیز خواننده را منحرف کند. یعنی این سادگی آگاهانه موجب می‌شود که عده‌ای فکر کنند همه‌ی گفته‌های او را می‌دانند و برای آن‌ها نکته‌ی تازه‌ای ندارد. بی‌تکلفی نوشته‌های فروم و در عین حال درک عمیقی که خود فروم از مفاهیم مطرح شده دارد موجب شده است که او سخت‌ترین اندیشه‌ها را بسیار نرم و روان مطرح کند. در کل او جزو روان‌شناسان سخت‌نویس نیست.

وقتی که تمرکز من بر شناخت، درک و تسلط بر روان‌شناسی انسان‌گرا آغاز شد، متوجه شدم که تمامی روان‌شناسان مطرح انسان‌گرا در گفته‌ها و نوشته‌های خود بسیار از اریک فروم یاد می‌کنند. راجرز و مزلو به گونه‌ای مطالب خود را مطرح می‌کردند و با این فرض پیش می‌رفتند که خوانندگان آثار آن‌ها حتماً فروم را می‌شناسند. حتی پائولو فریره که در حوزه‌ی آموزش و پرورش انسان‌گرا به مراتب جلوتر می‌رود، به عنوان متخصص تعلیم و تربیت، براساس دستاوردهای فروم برنامه‌های خود را سازمان می‌دهد.

این پیشینه مرا به این نتیجه رساند که ضروری است تمامی آثار فروم را به طور دقیق مطالعه و بررسی کنم، یعنی از صرف خواندن فراتر بروم و به عبارتی تحقیقی گسترده داشته باشم. در طی این مسیر به این آگاهی رسیدم که برای شناخت روان‌شناسی انسان‌گرا و آموزش و پرورش انسانی بگر حتماً باید شناختی دقیق از دیدگاه‌های اریک فروم داشته باشم.

این کتاب محصول چنین تحقیقی است که با صدها ساعت مطالعه‌ی اصل کتاب‌ها و ترجمه‌های منتشر شده از اریک فروم صورت گرفته است. دو عین حال جا دارد به مجموعه‌ای از مقالات، گزارش‌ها و پایان‌نامه‌هایی اشاره کنم که در فصل‌نامه‌های تحقیقاتی در امریکا و اروپا درباره‌ی این روان‌شناس بزرگ منتشر شده است.

این کتاب برای من بازخوانی آثار اریک فروم با تمرکز بر موضوع کودک و آموزش است. به عبارت دیگر کوشیده‌ام که دیدگاه‌های فروم را از آثار گوناگون

۱. کتاب‌شناسی اریک فروم در زبان فارسی در انتهای اثر حاضر آمده است.

استخراج کنم و در اختیار خوانندگان ایرانی، به‌ویژه کسانی که در حیطه‌ی آموزش کودکان کار می‌کنند، قرار دهم.

می‌دانیم که اریک فروم نظراتی هم در حوزه‌ی درمان، روان‌شناسی اجتماعی، زنان، روان‌تحلیل‌گری و... دارد*. طبیعی است که می‌توان تمامی این نظرات را بازخوانی و بررسی کرد، اما این کار نه در تخصص من بود و نه در حیطه‌ی شناخت و علاقه‌ام. به همین دلیل بررسی این نظرات اریک فروم را به عهده‌ی سایر همکاران و علاقه‌مندان می‌گذارم.

در عین حال عمیقاً معتقدم این مجموعه شروعی برای درک بهتر روان‌شناسی انسان‌گرا و آموزش و پرورش مرتبط با آن است. روان‌شناسی انسان‌گرا و آموزش و پرورش انسانی نگر نیاز به منابع مطالعاتی گسترده به‌ویژه در حوزه‌ی نظری دارد. معتقدم تا زمانی که مفاهیم نظری باز نشود، نمی‌توان راه‌کارهای مناسب برای آن پیدا کرد.

از این که کتاب حاضر بتواند شروعی برای بحث‌های نظری به قصد ارتقای آموزش کودکان این سرزمین باشد احساس خوبی دارم.

ناصر یوسفی

* این دیدگاه مبتنی بر جامعه‌ی غربی است و با دیدگاه و جهان‌بینی اسلامی همسویی ندارد. طبیعی است که نمی‌توان انتظار داشت که نظریه‌پرداز فوق شناختی از انسان با آموزه‌های اسلامی داشته باشد.

پیش از شروع کتاب به این نکته توجه کنید:

اریک فروم کتابی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت کودکان ندارد و در هیچ اثری به طور مشخص درباره‌ی رفتار با کودکان و یا آموزش و پرورش آن‌ها صحبت نکرده است. اما می‌توان گفت تقریباً در بیش‌تر آثار خود به نقش تعلیم و تربیت پرداخته و سعی کرده همواره به جایگاه آموزش نسل جوان بپردازد و ضرورت این کار را معرفی کند. به همین دلیل مطالبی که در این اثر می‌خوانید محصولی از تمام کتاب‌ها، مصاحبه‌ها، و حتی تحلیل آثار اوست. ممکن است بسیاری از خوانندگان انتظار داشته باشند کتاب حاضر از ابتدا تا انتها مجموعه‌ای از راهکارها برای کار با کودکان از منظر فروم باشد. اما در این کتاب سعی شده است در ابتدا فلسفه‌ی فکری فروم و نظرات بنیادین او مطرح شود و سپس پیشنهادهایی که او برای کار با کودکان مطرح می‌کند و یا می‌توان از نظرات او استنتاج کرد بازگو شود. طبیعی است برنامه‌ریزان آموزشی و کسانی که در حیطه‌ی تعلیم و تربیت کودکان کار می‌کنند، اگر با این مفاهیم بنیادین از دیدگاه فروم آشنا نشوند، هرگز نخواهند توانست راهکارهای او را برای کار با کودکان و یا نسل جوان درک کنند. به همین دلیل ضروری است ابتدا این مفاهیم برای علاقه‌مندان به آموزش و پرورش کودکان باز شود و سپس به شیوه‌های ارتباط‌گیری و یا برنامه‌ریزی برای کودکان توجه شود.

پیشگفتار

اریک فروم نامی آشنا در حوزه‌ی روان‌شناسی است. بسیاری از کتاب‌خوانان ایرانی او را می‌شناسند و حداقل یکی از کتاب‌های او را دیده‌اند.

جدا از جامعه‌ی روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت در ایران، کارها و دیدگاه‌های اریک فروم برای بسیاری از کارشناسان در حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی، فلسفه، ادبیات، هنر، مردم‌شناسی و حتی سیاست نیز آشناست.

اریک فروم از معدود روان‌شناسانی است که تقریباً تمامی آثار او به فارسی ترجمه شده و حتی مترجمان مختلفی علاقه‌مند شده‌اند که ترجمه‌های متعددی از یک کتاب وی را به خوانندگان ایرانی تقدیم کنند. نکته‌ی قابل توجه این است که مترجمان مطرحی چون عزت‌الله فولادوند، گیتی خوشدل، پوری سلطانی و... که خود روان‌شناس نیستند کارهای بسیار مطرحی را از اریک فروم ترجمه کرده‌اند. ترجمه‌ی کتاب *هنر عشق ورزیدن* اثر فروم به چاپ بیست‌وپنجم رسیده و در مجموع بیش از صد هزار نسخه از کتاب‌های فروم در ایران به فروش رسیده است. با تمام اقبال و توجهی که به کارهای اریک فروم در ایران شده است، به همان اندازه نیز تناقض‌هایی در مورد این آثار دیده می‌شود. این تناقض‌ها در اشکال مختلف به چشم می‌خورد. برای مثال برای اریک فروم در دانشکده‌های روان‌شناسی ایران جایگاه ویژه‌ای نیست و هیچ کرسی‌ای برای شناخت نظرات و دیدگاه‌های فروم وجود ندارد. کم‌تر دانشجوی روان‌شناسی در سطح کارشناسی یا کارشناسی

ارشد در ایران در کلاس‌های درس خود و از زبان استادان خود با کارهای اریک فروم آشنا شده است. خشتی بودن دانشکده‌های روان‌شناسی و غم‌انگیزتر از آن دانشکده‌های علوم تربیتی موجب شده است که یکی از مطرح‌ترین چهره‌های روان‌شناسی برای دانشجویان ایرانی در پرده‌ی ابهام بماند. اگر هم گروهی از دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها آشنایی‌ای با این اندیشمند دارند، معمولاً از خارج از نظام درسی دانشکده‌های روان‌شناسی است. به همین ترتیب می‌توان گفت که تقریباً هیچ استادی که مسلط بر دیدگاه‌های فروم باشد و بتواند نظرات وی را حداقل معرفی کند در دانشکده‌های روان‌شناسی یا علوم تربیتی فعال نیست. متأسفانه از دید گروهی از روان‌شناسان ایرانی، اریک فروم اصولاً روان‌شناس نیست. این عده نظریه‌های درمانی وی را کاربردی نمی‌دانند و یا حتی وی را بیش‌تر یک نظریه‌پرداز اجتماعی، فلسفی و یا سیاسی قلمداد می‌کنند. آیا پرداختن اریک فروم به مسائل اجتماعی و سیاسی منجر به این شده است که در ایران کم‌تر به عنوان یک نظریه‌پرداز روان‌شناسی شناخته شود؟ آیا آثار فروم از آثار کلاسیک روان‌شناسی فاصله‌ی بسیاری دارد؟ اما چرا اریک فروم در جامعه‌ی جهانی یک روان‌شناس تأثیرگذار شناخته شده؟ و چرا از او به عنوان یکی از چهره‌های مطرح روان‌شناسی در دنیا یاد می‌شود؟ این تناقض از کجا می‌آید؟ یعنی از یک سو استقبال بسیار از کتاب‌های او در ایران و در دنیا وجود دارد و از سوی دیگر جامعه‌ی روان‌شناسان ایران به دیدگاه‌های وی بسیار بی‌توجه است.

این تناقض به شکل دیگری نیز در جامعه‌ی ایران خود را نشان داده است. گروهی از روان‌شناسان، کارشناسان تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسان و... بر این باورند که از سطح اریک فروم گذشته‌اند. یعنی این متخصصان معتقدند که دانش و آگاهی آن‌ها از سطح فروم فراتر رفته است و اندیشه‌های وی برای آن‌ها کهنه شده، دستاوردی ندارد، و یا این که در دیدگاه‌های اریک فروم نکات و ویژگی‌های قابل توجهی نمی‌بینند.

اما یادمان نرود که چه در ایران و چه در بسیاری از کشورهای دیگر تا به حال از آثار هیچ روان‌شناسی این‌چنین استقبال نشده است. این برخوردهای غیرعلمی در محافل دانشگاهی و جامعه‌ی تخصصی در ایران در حالی است که روان‌شناسان و متخصصان مطرحی چون یونگ، راجرز، مزلو، گاردنر، ایوان ایلچ، دیوید شکتر،

مایکل مکوی، جاناتان کوزول و... بارها و بارها از دیدگاه‌های وی یاد کرده‌اند و به نوعی تحت تأثیر اندیشه‌های وی بوده‌اند. در عین حال متخصص تأثیرگذاری چون پائولو فریره که دیدگاه‌های او در تعلیم و تربیت هنوز یکی از مرفی‌ترین دیدگاه‌های موجود محسوب می‌شود، بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های ناب اریک فروم بوده است.

در حال حاضر دو بنیاد بین‌المللی در آمریکا و سوئیس مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌ی نظرات اریک فروم انجام می‌دهند. همچنین سازمان‌های علمی مختلفی وابسته به دانشکده‌های روان‌شناسی در آمریکا و اروپا روی نظرات فروم کار می‌کنند و دستاوردهای خود را در فصل‌نامه‌های تخصصی منتشر می‌کنند. با این که در اروپا و آمریکا گرایش به نظرات فروم رو به رشد است، در دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی ما اطلاعی از نظرات وی نیست و غم‌انگیزتر این که خود را فراتر و یا فارغ از نظرات وی می‌دانند. این نظرات غیر تخصصی بیش از هر چیز نشان می‌دهد که جامعه‌ی روان‌شناسی و تعلیم و تربیت ما درک درست و یا کاملی از دیدگاه‌های فروم ندارد. طبیعی است که به دلیل این کمبود نتوانیم از دیدگاه‌های وی چه در شناخت انسان، چه در درمان و چه در تعلیم و تربیت استفاده کنیم.

دانشکده‌های روان‌شناسی ما چه بخواهند و چه نخواهند اریک فروم یکی از مطرح‌ترین روان‌شناسانی است که برای اولین بار به تدوین مبانی روان‌شناسی انسان‌گرا مبادرت کرد و توانست بخشی از اصول و مبانی روان‌شناسی انسان‌گرا را ثبت، طبقه‌بندی و مشخص کند.

دوان شولتز در منابع مختلف از اریک فروم نه تنها به عنوان پایه‌گذار روان‌شناسی انسان‌گرا یاد می‌کند، حتی معتقد است که اریک فروم از معدود روان‌شناسانی است که موفق شد بنیاد رفتار دموکراتیک را در انسان ثبت کند و به جامعه‌ی جهانی معرفی کند.

نکاتی نه چندان غير ضروري

بي توجهي جامعه‌ي روان‌شناسي ايران به اريك فروم دلايل فراواني دارد كه حداقل مي‌توان به چند مورد آن اشاره كرد.

۱. اريك فروم يكي از مخالفين جدي و مطرح روان‌شناسي رفتارنگر است و مباني اين مكتب روان‌شناسي را بارها زير سؤال برده و به چالش كشيده است. به همين دليل به شيوه‌ي درماني رفتارنگرها نيز اعتقادي ندارد و آن را كارآمد نمي‌داند.

از آن‌جا كه بخش بزرگي از روان‌شناسان جامعه‌ي ما و به ويژه درمان‌گران از وابستگان نظام رفتارگرایی‌اند، طبيعي است كه ديدگاه اريك فروم را نه تنها پذيرايستند بلكه از ترويج و معرفي آن نيز پرهيز مي‌كنند.

۲. اريك فروم روان‌تحليل‌گري است كه اگرچه كار خود را با توجه به ديدگاه‌هاي فرويد آغاز كرد، اما پس از مدتي شيوه‌هاي خود را از نظام فكري فرويد جدا كرد. به نظر فروم، فرويد با تمام سهم مؤثري كه در توسعه‌ي روان‌تحليل‌گري داشت، اما انسان را موجودي ايستا و تغييرناپذير مي‌ديد. فروم از آن‌جا كه در مسير روان‌شناسي انسان‌گرا قرار گرفته بود، طبيعتاً به انساني سالم و در جامعه‌اي سالم مي‌انديشيد كه توان تغيير خود و جامعه‌ي خود را داشت. به نظر فروم انسان مي‌تواند خود را از ناخودآگاه رها كند و به بازسازي هويت خود پردازد.